

قراردادهای خرید و فروش برق در چارچوب قانون مدنی

کیومرث حیدری،^۱ مهدی هفتانی،^۲ بهراد صغیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۱

چکیده

قراردادهای خرید برق، با هدف حمایت و توسعه تولید برق به‌ویژه برخی اقسام آن نظیر برق تجدیدپذیر و پاک، بعد از تجدید ساختار در صنعت برق مرسوم شده‌اند و امروزه به‌مثابه ابزاری برای حفظ محیط‌زیست و تأمین امنیت عرضه و حمایت از سرمایه‌گذاران در غالب کشورهای جهان به‌طور گسترده‌ای به‌کار می‌روند. در ایران نیز، پس از شروع روند تجدید ساختار در صنعت برق و در اجرای بند ب ماده ۲۵ قانون برنامه چهارم توسعه، شرکت توانیر و مدیریت شبکه به دستور وزارت نیرو به طراحی و انعقاد قراردادهای خرید برق اقدام کردند. این قراردادها حاوی شرایط عمومی و اختصاصی‌اند که علاوه بر قواعد عمومی قراردادها، قیود شبکه سراسری برق و سایر محدودیت‌های فنی نیز در آن‌ها گنجانده شده است. در این مقاله، ضمن بازخوانی این قراردادها در چارچوب عقد بیع در قانون مدنی و قواعد عمومی قراردادها، به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که آیا این دست از قراردادهای، در عمل، عقد بیع موردنظر قانون مدنی هستند یا جزو عقود نامعین به‌شمار می‌روند. با توجه به مجموع مفاد این قراردادها و هدف از تدوین آن‌ها، موجه‌تر به نظر می‌رسد که عقدی نامعین در پرتو ماده ۱۰ قانون مدنی تلقی شوند.

واژگان کلیدی: برق، قرارداد بیع، قانون مدنی، خدمت، کالا

۱. مدیر گروه اقتصاد برق و انرژی، پژوهشگاه نیرو kheydari@nri.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، haftani2012@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی، behradsaghiri@yahoo.com

طرح مسئله

تا پیش از تجدید ساختار صنعت برق، در بیشتر کشورها، به جز ایالات متحده که صنعت برق در آن از ابتدا خصوصی شکل گرفت، تولید، انتقال، توزیع و فروش برق در انحصار دولت بود و از آنجاکه برق همچون کالایی عمومی عرضه می‌شد، خرید و فروش آن مانند دادوستد سایر کالاها بین اشخاص خصوصی رایج نبود (شرکت مهندسی مشاور مونکو، ۱۳۹۲، ص ۵۷). پس از ضرورت‌هایی که در اصلاح ساختار صنعت برق در کشورها احساس شد، نخست بخش تولید برق و سپس بخش توزیع و فروش به تدریج به بخش‌های غیردولتی واگذار شد و صنعت برق با رشدی روزافزون مواجه شد (همان). این رشد نیازمند سامان‌دهی روابط شرکت‌های فعال در بازارهای برق و تنظیم قواعدی به‌منظور تضمین امنیت عرضه برق و پایداری شبکه بود. به همین منظور، نهادهای تنظیم‌گر یا قانون‌گذار از طرف دولت این وظیفه را برعهده گرفته‌اند و قواعد ناظر به اخذ مجوز، تولید، انتقال و دسترسی به شبکه، توزیع، فروش و تعرفه برق و همچنین مقررات زیست‌محیطی و ایمنی را وضع کرده‌اند. در حال حاضر، این تنظیم‌گرها (رگلاتورها) همانند کمیسیون فدرال تنظیم مقررات انرژی آمریکا^۱، دفتر بازار برق و گاز بریتانیا^۲، کمیسیون تنظیم انرژی فرانسه^۳ و کمیسیون برق کره جنوبی^۴ این وظایف را برعهده دارند. در ایران نیز، براساس آیین‌نامه مصوب وزیر نیرو، نهادی به نام «هیئت تنظیم بازار برق ایران» تشکیل و عهده‌دار مراقبت از بازار برق به‌منظور ایجاد و توسعه رقابت و همچنین تضمین امنیت عرضه و پایداری شبکه شد.^۵ براساس مفاد ماده ۱۲ و ماده ۸ قانون سازمان برق ایران، همه فعالان بازار برق موظف‌اند مصوبات این هیئت را رعایت کنند. قراردادهای خرید و فروش و صادرات برق نیز پس از تأیید این هیئت قابل اجرا خواهند بود.^۶ از آنجاکه مطابق ماده ۱۱ آیین‌نامه و بند ب ماده ۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه، شرکت توانیر و مدیریت شبکه موظف به تهیه مدل‌های قراردادی خرید و فروش برق

۱. Federal Energy Regulatory Commission (FERC)

۲. The Office of Gas and Electricity Markets (OFGEM)

۳. French Energy Regulatory Commission (CRE)

۴. Korean Electricity Commission (KEC)

۵. آیین‌نامه اجرایی هیئت تنظیم بازار برق ایران، مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۸.

۶. ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی هیئت تنظیم بازار برق ایران.

شدند، هیئت تنظیم بازار برق، پس از تصویب این قراردادها، نمونه‌های قراردادی را برای اجرا به شرکت‌های مزبور ابلاغ کرده است. به سبب برخی ویژگی‌های ذاتی و تغییرناپذیر، برق منحصر به فرد است و از طرفی به سبب حساسیت تأمین و توزیع آن متمایز از دیگر کالاها و خدمات قابل دادوستد در بازار است. همین دلایل سبب شده است تا برخی قواعد عمومی قراردادها و عقد بیع در قانون مدنی که در سایر کالاها اجرایی است، بر برق قابل اعمال نباشد. این تفاوت برق با سایر کالاها و خدمات نه تنها در تجارت داخلی، که در تجارت بین‌المللی برق نیز با سایر کالاها و خدمات حتی نفت و گاز مشهود است (Selivanova, 2011, p. 63) در این مقاله، ضمن معرفی اجمالی قراردادهای خرید و فروش برق در ایران، به بررسی و مقایسه مفاد آنها با قواعد عمومی قراردادهای بیع در قانون مدنی و قراردادهای رایج بیع پرداخته خواهد شد. گفتنی است امروزه برق در بیشتر کشورهای جهان در بازارهای دوجانبه یا بورس‌های برق و انرژی معامله می‌شود.^۱ هر چند نحوه این معاملات بر شروط قراردادی آنها تأثیر می‌گذارد، اما برخی ویژگی‌های فنی و ذاتی برق در هر دو نمونه یکسان و قواعد آن نیز شبیه به یکدیگر است. در بخش اول مقاله، برق همچون مبیعی در یک قرارداد بیع بررسی خواهد شد. در بخش دوم، به تعهدات بایع در قراردادهای خرید و فروش برق، و در بخش سوم، نیز به تعهدات خریدار برق در این قراردادها و مقایسه آن با عقد بیع در قانون مدنی و سایر قواعد مشابه پرداخته خواهد شد. در پایان، نیز پیشنهادهایی به منظور اصلاح برخی شروط قراردادی خرید و فروش برق ارائه خواهد شد.

گفتار اول: برق در جایگاه مبیع

قبل از آنکه برق را مبیع بدانیم و اینکه کدام یک از انواع مبیع احصاشده در قانون مدنی بر آن قابلیت شمول دارد، باید به این اختلاف پرداخت که آیا برق کالا است یا خدمت؟ زیرا اگر برق کالا نباشد و خدمت باشد، در اصل، بررسی آن ذیل عقد بیع در قانون مدنی خالی از وجه خواهد بود. معمای کشف ماهیت برق چون یک کالا یا خدمت دیرزمانی است که مطرح شده است و پاسخ آن نیز واجد آثار مهمی از جمله آثار حقوقی است. با وجود این، در خلال مذاکرات در خصوص حذف موانع تجاری بین کشورها، که در ۱۹۴۷

۱. نظیر بورس انرژی اروپا، بازار برق نوردیک، اتحادیه برق عرب.

به انعقاد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۱ منتهی شد، بیش از گذشته به پاسخ این معما توجه شد (Marceau, 2010, p. 83-84). برخی دولت‌ها بر این نظر بودند که برق نوعی خدمت است و اساساً موضوع تعهدات دولت‌ها ذیل گات نیست (قرباغی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵) این چالش در دور اروگوئه و هم‌زمان با تصویب موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس)^۲ به شکل جدی‌تری مطرح شد و با توجه به تفاوت بخشودگی‌های تجاری در گات و گتس، احتساب کالا یا خدمت بودن برق آثار حقوقی و تجاری مهمی در بر داشت (همان، ص ۱۷۶). در گات و سایر اسناد سازمان تجارت جهانی، که در دور اروگوئه و بعد از آن به تصویب رسید، به صراحت به تجارت انرژی پرداخته نشده است. از همین رو و با توجه به اطلاق گات و گتس در خصوص کالا و خدمات و فقدان تعریف مشخصی از آن‌ها، این عامل سبب اختلاف میان کشورها شد و برخی نظیر آمریکا برق را در لیست تعرفه‌ای خود ذیل کالا گنجانده و برخی دیگر آن را خدمت قلمداد کردند (همان). البته شایان ذکر است که سیستم هماهنگ کدگذاری و توصیف کالا^۳ که از سوی سازمان جهانی گمرک تهیه شده است و ملاک عمل سازمان تجارت جهانی نیز هست، برق را زیر کد ۲۷۱۶،۰۰،۰۰ در جایگاه کالا در نظر گرفته است.^۴ اگرچه تاکنون تعریفی جامع و حقوقی از برق نشده است، به نظر می‌رسد با توجه به دلایل فنی از جمله قابل اندازه‌گیری بودن، قابلیت جابه‌جایی، دارا بودن ویژگی‌های کیفی از جمله ولتاژ و فرکانس، برق به خودی خود کالا است؛ اما با توجه به ترانزیت، انتقال، توزیع و خدمات جانبی^۵ خدمت به شمار می‌رود. یادداشت تفسیری نظام کدگذاری استاندارد کالا و خدمات سازمان ملل^۶ نیز در صورتی برق را خدمت دانسته است که ارائه‌دهنده‌ای

۱. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT), 1947.

۲. General Agreement on Trade in Services (GATS).

۳. Harmonized Commodity Description and Coding System (HS).

۴. در اعلامیه کانادا و آمریکا برای تجارت برق تعرفه‌ای در نظر گرفته نشده است، ولی مکزیک ۱۰٪ تعرفه در نظر گرفته بود که از سال ۱۹۹۸ حذف شد.

۵. Ancillary Services.

۶. The United Nations Standard Products and Services Code (UNSPSC).

مستقل از تولیدکننده برق توزیع، ترانزیت و انتقال و خدمات جانبی^۱ را انجام دهد (Horlick & Others, 2002, p. 15, note 840).

قوانین و رویه قضایی برخی کشورها از جمله ایالات متحده نیز این برداشت را تأیید می‌کند.^۲ برای نمونه، دادگاه تجدیدنظر ماساچوست در پرونده‌ای در ۲۰۰۹، با تفسیر تعریف قانون متحدالشکل تجاری^۳ که قابلیت جابه‌جایی (حرکت) در زمان تعیین مبیع در قرارداد را وجه تمایز کالا از خدمت دانسته است،^۴ برق را قابل اندازه‌گیری، سرقت و انتقال (متحرک بودن) تلقی می‌کند و قراردادهای خرید و فروش برق را تحت شمول قانون متحدالشکل تجاری می‌داند.^۵ دادگاه قراردادهای تأمین برق را نیز مشمول قانون متحدالشکل تجاری می‌داند، زیرا تأمین‌کننده برقی را که از تولیدکننده خریداری کرده است بازفروش می‌کند و این قرارداد خرید خدمت از تأمین‌کننده نیست. همچنین دادگاه ورشکستی این ایالات نیز، در پرونده‌ای دیگر، برق را به سبب قابلیت جابه‌جایی و اندازه‌گیری کالا به شمار آورده و متحرک بودن را فصل کالا از املاک می‌داند.^۶ البته در رویه قضایی ایالات متحده، برخی دادگاه‌ها هم شماری از قراردادهای تأمین برق را قراردادهای خرید خدمت برشمردند.^۷ معیار دیگری بر آن اشاره دارد که بسته به طرفین هر قرارداد تأمین برق، آن قرارداد را می‌توان خرید کالا یا خدمت تلقی کرد (Mäntysaari, 2015, p. 78). دلیل دیگری که کالابودن برق را تقویت می‌کند پیشنهادی بود که شش کشور بزرگ در طی مذاکرات گتس در حوزه خدمات انرژی ارائه کرده

۱. کمیسیون فدرال مقررات‌گذاری انرژی آمریکا خدمات جانبی را این‌گونه تعریف کرده است:

«سرویس‌های لازم برای پشتیبانی از انتقال انرژی الکتریکی از محل فروشنده و یا تأمین‌کننده به محل خریدار، یا مشترک». نک:

Power Exchange Operations, Guide to Ancillary Services in the National Electricity Market, 2010, p. 12.

۲. Helvey v. Wabash County REMC, 278 N.E.2d 608, 609-610 (Ind. Ct. App. 1972. and GA: Monroe v. Savannah Elec. & Power Co., 471 S.E.2d 854, 855-856 (Ga. 1996).

۳. Uniform Commercial Code (UCC).

۴. U.C.C. Section 2-105: (a) Goods means all things (including specially manufactured goods) which are movable at the time of identification to the contract for sale other than money in which the price is to be paid.

۵. Commonwealth v. Catalano, 74 Mass. App. Ct. 580, 584 (2009).

۶. Re Erving Industries, Inc., 432 B.R. 350, 370, Pra.21, (Bankr. D. Mass. 2010).

۷. Hedges v. Public Service co. of Indiana.

بودند. بر این اساس، فرایندهای اکتشاف، توسعه، استخراج، فراوری، تولید نیرو،^۱ حمل‌ونقل، ترانزیت، توزیع، بازاریابی، مصرف، مدیریت و کارایی انرژی و خدمات جانبی آن‌ها خدمت تلقی می‌شود؛ درحالی‌که برق خدمت محسوب نشده است (Horlick & Others, 2002, p. 12).

با وجود این، در بند آخر ماده ۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ۱۹۸۰، برق از شمول قلمرو موضوعی کنوانسیون خارج شده است و برخی یکی از دلایل آن را کالا نبودن برق به معنای خاص دانسته‌اند (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰). این در حالی است که برخی دیگر خصوصیات خاص برق و پیچیدگی‌هایی را که در قیاس با سایر کالاها برای معامله آن وجود دارد دلیل عمده این استثنا در کنوانسیون دانسته‌اند (Mäntysaari, 2015, p. 71).

از آنجاکه تعریف بیع در قانون مدنی ایران متأثر از منابع فقهی است، تعریف فقها از عین نیز در شمول یا عدم شمول برق به‌عنوان کالا ذیل عقد بیع قانون مدنی تعیین‌کننده است. فقها در تأکید شمول عقد بیع بر «تملیک عین به عوض معلوم»، بیشتر خروج اقسامی از معاملات نسبت به منفعت و برخی حقوق، نظیر حق شفعه، تحجیر، سرقفلی و اختراع را در نظر داشته‌اند (بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۸۸؛ انصاری، ۱۴۱۸، ص ۱۱/۳). به عبارت دیگر، فقهای امامیه به‌طور خاص به تعریف «عین» نپرداخته‌اند و مقصود آن‌ها از عین هر چیزی است که وجود خارجی و مادی (بحرانی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۴۶/۲۰؛ امامی، ۱۳۶۸، ص ۱۹/۱) یا ابعاد سه‌گانه طول و عرض و ارتفاع داشته باشد (خویی، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۶/۲). بنابر این دیدگاه، عین منحصراً در اموال مادی است و اموال غیرمادی را در بر نمی‌گیرد. از همین رو، اختلاف فقها بر سر قابلیت معاملاتی «حقوق (حق‌ها)»، نیز مستقیم به حدود شمول «عین» برمی‌گردد. در این خصوص، به سه دیدگاه کلی در بین فقها اشاره می‌شود: مطابق نظر نخست، حق مال نیست و در عقد بیع نمی‌تواند همچون یکی از عوضین قرار گیرد (انصاری، ۱۴۱۸، ص ۹/۳). دیدگاه مقابل بر آن است که حق می‌تواند به‌عنوان ثمن و مبیع قرار گیرد و خود

۱. فرایند تولید برق خدمت است و نه کالا. امروزه شرکت‌های بسیاری در جهان، با انعقاد قراردادهای بهره‌برداری، تولید برق در نیروگاهی را که در مالکیت شرکت دیگری است، انجام می‌دهند و بهای خدمات ارائه‌شده را دریافت می‌کنند. اما محصول نهایی این فرایند، یعنی برق، کالا است (نک: قناد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

به طور مستقل مال محسوب می شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ص ۳۲/۱) در دیدگاه سوم، حق فقط می تواند ثمن قرار گیرد، زیرا مبیع باید «عین» باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۵۷/۱).

در واقع، عین گاهی در مقابل اشیای غیرمادی و گاهی در مقابل منفعت قرار می گیرد و این ناشی از مشترک لفظی بودن واژه عین است که به مرور زمان معنای دوم محمول نظر عرف قرار گرفته است (کریمی و معین الاسلام، ۱۳۸۷، ص ۳۱۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۳). از طرف دیگر، چون فقهای امامیه اعیان را مصداق بارز اموال دانسته اند و از مجموع مواد ۸۷۲، ۹۴۶، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۷ نیز چنین برمی آید که مقصود قانون گذار از مال، منحصر در اموال مادی نیست و شامل اموال غیرمادی و حقوق مالی نیز می شود (تفرشی و سکوتی نسیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

علاوه بر آن، با توجه به اینکه مقصود فقها از تعریف بیع حقیقت شرعی آن نبوده است و احکام بیع از جمله احکام امضایی است، بنابراین بیع هرآنچه در عرف رواج داشته باشد، اطلاق در بیع دارد و استخدام لفظ عین از سوی فقها به منظور تفکیک بیع از اجاره صورت گرفته است و نه انحصار عین در اموال مادی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ق، ص ۲۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ص ۱۶/۱).

باین حال، با توجه به پیروی قانون گذار از عرف در خصوص اطلاق فروش به انتقال سهم در مواد ۷۸ و ۷۹ قانون تجارت، توسعه مدلول بیع و شمول آن نسبت به قراردادهای مذکور ضروری به نظر می رسد. در واقع، این دو ماده منسوخ ماده ۳۳۸ نیست و مبین آن است که عین در این ماده اموال غیرمادی را نیز در بر می گیرد (تفرشی و سکوتی نسیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

علاوه بر آن، برخی حقوق دانان نیز بر این عقیده اند که بایستی عین در ماده ۳۳۸ قانون مدنی را منحصر در اموال مادی دانست و انتقال اموال غیرمادی را تابع قواعد عمومی قراردادها تلقی کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۴۱).

باین حال، به نظر می رسد هم از نظر متخصصان فنی و هم حقوقی دلایل کالا (عین) تلقی کردن برق نسبت به خدمت محسوب کردن آن موجه تر است و مشخصات فیزیکی برق با تعریف حقوقی و عرفی از کالا مطابقت بیشتری دارد. از این رو، خرید و فروش برق

از تخصص قراردادهای خرید خدمت و عقود مشابه خارج است و بحث بر سر شمول عقد بیع و یا ماده ۱۰ قانون مدنی بر آنهاست.

از آنجاکه در قانون مدنی تعیین نوع مبیع متضمن آثار و احکام خاص خود است، از این رو تعیین اینکه برق عین معین کلی فی‌الذمه یا کلی در معین است بر حقوق و تعهدات فروشنده اثر مستقیم دارد. قانون مدنی در ماده ۳۲۸ بیع را تملیک عین به عوض معلوم دانسته است. با توجه به اینکه این تعریف را واضعان قانون مدنی از فقه برگرفته‌اند، بنابراین در تشریح آنکه عین شامل چه مواردی است باید به منابع فقهی معتبر نیز رجوع کرد. از سوی دیگر، تشریح وضعیت برق در قراردادهای خرید و فروش برق نیز به تبیین ماهیت برق به عنوان عین معین کلی فی‌الذمه و کلی در معین کمک می‌کند.

اصولاً و از آنجاکه برق قابلیت نگهداری و ذخیره بعد از تولید را ندارد و بلافاصله یا کمی بعد از تولید باید مصرف شود، چنانچه مالک یا بهره‌بردار نیروگاه برق را تولید کرده باشد و به سبب نبود خریدار موفق به فروش آن نشود، متحمل خسارات زیادی خواهد شد. به همین سبب، دولت که متولی تأمین کالاهای عمومی است (باقری و میرلواسانی، ۱۳۹۱، ص ۶)، به منظور استمرار در تولید برق و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش تولید، خرید برق از مالک یا بهره‌بردار نیروگاه را از ابتدا تضمین می‌کند تا تولیدکنندگان با خیالی آسوده در این بخش سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین، برقی که در قراردادهای متداول خرید و فروش به عنوان مبیع لحاظ می‌شود، در لحظه انعقاد قرارداد وجود ندارد.^۱ اگر خرید و فروش برق را در قراردادی ساده و مستقل از نمونه قراردادهای موجود در نظر بگیریم، فروشنده مالکیت میزان مشخصی از برق تولیدی خود در آینده را به خریدار منتقل می‌کند. از سوی دیگر، چون مطابق تعریف ارائه شده از عین معین که آن را قابل اشاره و رؤیت با مصداقی معین در خارج دانسته‌اند، بنابراین برق به عنوان مبیع در مطلق قراردادهای خرید و فروش برق کلی است و داخل در عین معین نه به شکل موجود و نه آینده نیست. عین معین به شکل بیع مال آینده، بعد از زمان ایجاد یا به تدریج در حین آن، به شکل عین معین و در ملکیت خریدار درمی‌آید (پیرهادی، ۱۳۸۶، ص ۸۹).

۱. نک: قراردادهای مصوب هیئت تنظیم بازار برق ایران.

چنانچه برق در آینده و در زمان تعیین شده در قرارداد نیز تولید شود، چون از طریق شبکه سراسری تحویل خریدار می شود، به طور معین، قابل تشخیص نیست. در واقع، برق تولیدی از سوی فروشنده به شبکه سراسری تزریق می شود و بعد از آن قابل ردیابی دقیق نخواهد بود که آیا برقی که فروشنده تحویل گرفته همان برقی است که فروشنده وارد مدار کرده است یا خیر (استافت، ۱۳۸۹، ص ۷۲۰).

حتی در صورتی که میان خریدار و فروشنده خط انتقال مجزایی وجود داشته باشد و برق مستقیم از پست تعبیه شده در نیروگاه به کتور خریدار منتقل شود، چون برق تحویلی اوصاف مشخصی نظیر ولتاژ، فرکانس دارد، نمی توان آن را بیع عین معین در آینده دانست. البته شایان ذکر است، هم از نظر فنی احداث خطوط انتقال مجزا بین همه تولیدکنندگان و خریداران مقدور و به صرفه نیست و هم معمولاً میزان برق تولیدی یک واحد نیروگاهی به مصرف چند مصرف کننده می رسد (قناد و مسگری، ۱۳۸۴، ص ۴۹). از این رو تحقق چنین فرضی در عالم واقع به ندرت روی می دهد (کرشن و استریگ، ۱۳۸۶، ص ۹۴). در نتیجه و با توجه به خصایص ذاتی برق، اصولاً بیع برق به شکل کلی صورت می پذیرد و به مجرد وقوع بیع خریدار مالک مبیع خواهد شد.

بیع به صورت کلی منحصر است در دو قسم کلی فی الذمه و کلی در معین. در هر دو این قسم از بیع، مالکیت مبیع در هنگام تسلیم و تعیین مصداق به خریدار منتقل می شود. حقی که خریدار تا زمان تسلیم و تعیین مصداق از آن برخوردار است، حقی است دینی و در صورت تسلیم نشدن در موعد مقرر، خریدار حق دریافت غرامت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). بنابراین از آن زمان که فروشنده برق تولیدی را مطابق جدول زمان بندی توافق شده در قرارداد وارد مدار کند، خریدار نسبت به آن میزان از برق تولیدی نیروگاه که در آن بازه زمانی خریداری کرده است حق عینی خواهد داشت. بنابراین مدیر شبکه موظف است سهم خریدار از برق موجود در شبکه را به وی تحویل دهد. در واقع، مدیر شبکه به مثابه متصدی حمل عمل می کند که مبیع را از فروشنده دریافت و به خریدار تحویل می دهد. از زمان تحویل برق به شبکه، عمل مادی تسلیم و به همراه آن تعیین مصداق نیز صورت گرفته است و مالکیت آن میزان برق تحویل شده به شبکه مطابق قرارداد، از زمان تحویل، به خریدار منتقل می شود. تصور حق عینی خریدار

در بیع برق شاید همانند سایر اقسام بیع چندان سهل نباشد، زیرا برق اگرچه دارای ویژگی‌های مشخص است، از حیث مادی قابل‌رؤیت و ملموس، و توقیف و بازداشت آن ممکن نیست. از این رو، شاید بتوان حق عینی برای خریدار را در قالب حق برداشت قائل شد، به میزانی که فروشنده برق وارد شبکه کرده است (استافت، ۱۳۸۹، ص ۷۳۵). همان‌گونه که خریدار در سایر اقسام بیع بعد از انتقال مالکیت حق هرگونه تصرف در مایملک خود را دارد، خریدار در قرارداد بیع برق نیز می‌تواند نسبت به انتقال یا فروش برق در اختیار خود به سایر مصرف‌کنندگان اقدام کند. بنابراین، تا زمان تحویل برق از سوی فروشنده به شبکه، خریدار از حق دینی برخوردار است و چنانچه فروشنده از تسلیم مبیع خودداری کند، حق مطالبه خسارت برای خریدار باقی است.

گفتار دوم: تعهدات فروشنده

الف: تسلیم مبیع

مهم‌ترین تعهد هر فروشنده در قرارداد بیع تسلیم مبیع است (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷). قراردادهای بیع برق نیز از این قاعده مستثنا نیست و براساس آن، فروشنده موظف به تحویل برق مطابق قرارداد خواهد بود. فروشنده در تحویل برق در طول مدت قرارداد، علاوه بر تحویل به میزان و در زمان توافق شده، باید برق را با کیفیت معین شده در قرارداد عرضه کند (ناظمی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۳-۴۵).

نکول فروشنده از تسلیم مبیع در قراردادهای بیع برق به شکل توقف تولید نیروگاه روی می‌دهد. توقف تولید نیروگاه ممکن است مستند به بهره‌بردار یا مالک نیروگاه، مدیر شبکه یا عامل ثالثی نظیر قطع سوخت نیروگاه یا حوادث طبیعی باشد. در شق نخست، مالک یا بهره‌بردار نیروگاه ممکن است به اختیار خود تصمیم به توقف تولید بگیرند یا تقصیر وی نظیر تعمیرنشدن به موقع تجهیزات سبب توقف تولید نیروگاه شود. در این مواقع، چون شرکت مدیریت شبکه برق ایران، براساس قراردادهای از قبل منعقد شده، برق مصرف‌کنندگان را از برق موجود در شبکه سراسری تأمین می‌کند، بنابراین خریدار در هر حال برق را مطابق قرارداد دریافت خواهد کرد.^۱ اما چون فروشنده مطابق قرارداد ترانزیت برق با مدیر شبکه میزان برق تعهد شده را وارد مدار نکرده است، علاوه بر جبران

۱. بند ۶ ماده ۱۰ قرارداد ترانزیت برق، مصوب وزارت نیرو.

هزینه برقی که مدیر شبکه از سهم خود به خریدار تحویل داده است، ضامن پرداخت همه خسارات ناشی از توقف تولید خواهد بود.

در صورتی که توقف تولید به سبب دستورات مرکز راهبری شبکه برق کشور باشد، در مدت توقف برق، همه خریداران نیروگاه از محل شبکه سراسری تأمین خواهد شد و در صورتی که نیروگاه مجموع تولید برق خود را بدون انعقاد قرارداد خاصی به شبکه تزریق می کرده است، مستحق دریافت خسارت فرصت ازدست رفته است و در موقعیتی قرار خواهد گرفت که گویی نیروگاه در حال فعالیت بوده است.

چنانچه توقف تولید مستند به عاملی خارجی یا حادثه طبیعی باشد، بایستی حوادث قهریه و دخالت شخص ثالث از هم تفکیک شود. در مورد نخست، مطابق شرط فورس ماژور مندرج در قراردادهای خرید برق، در صورتی که انتفای اجرای قرارداد مستند به عامل غیرقابل پیش بینی، کنترل و احتراز باشد، طرفین مسئولیتی نسبت به انجام تعهدات خود نخواهند داشت. اما در صورتی که شخصی ثالث عامل توقف تولید نیروگاه باشد، مالک یا بهره بردار حق رجوع نسبت به بهای برق تولید نشده و خساراتی را دارد که باید به مدیر شبکه بپردازد (امینی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

در نتیجه و با توجه به اینکه اصولاً مدیر شبکه، به منظور اجرای قراردادهای خرید و فروش برق به میزان حجم کل آنها در بازه های زمانی، برای ورود برق به مدار برنامه ریزی های لازم را انجام داده است و بخشی از ظرفیت نیروگاه ها نیز آماده به تولید حفظ می شود، خریدار میزان برق تعهد شده از سوی فروشنده را، حتی در صورت نکول وی از تسلیم مبیع، در مدت قرارداد دریافت خواهد کرد. شایان ذکر است، طبق ماده ۱۰ دستورالعمل تعیین شرایط و روش صادرات برق، در صورت توقف تولید نیروگاه، مدیر شبکه حداکثر به میزان ۵ درصد از میزان برق تعهد شده را تأمین خواهد کرد. بنابراین چنانچه خریدار خارجی باشد، امکان نکول ارادی و غیرارادی فروشنده از تسلیم مبیع مطرح می شود که در این صورت، الزام فروشنده به تسلیم و مطالبه خسارت تابع قانون حاکم و قرارداد طرفین خواهد بود.

هرچند در ظاهر با توقف تولید دریافت خریدار نیز باید متوقف شود، اما به سبب آنکه تحویل از طریق شبکه سراسری برق صورت پذیرفته است، ردیابی برق تزریق شده تولیدکننده به شبکه ممکن نیست (کرشن و استریگ، ۱۳۸۶، ص ۶۴۳).

بنابراین مدیر شبکه برق مصرف‌کنندگان طرف قرارداد فروشنده را مطابق قرارداد و از محل ظرفیت شبکه سراسری تأمین می‌کند.^۱ گفتنی است که بهره‌بردار سیستم (مدیریت شبکه برق ایران) از مجموع قراردادهای خود، توانیر و ثبت شده در بورس انرژی اطلاع دارد و براساس آن ظرفیت شبکه را مدیریت می‌کند.^۲ چنانچه تولیدکنندگان براساس قرارداد به تولید مبادرت کرده باشند، باید هزینه خدمات انتقال (ترانزیت و جابه‌جایی) را به شرکت مدیریت شبکه پرداخت کنند. در واقع بهره‌بردار سیستم که مالک خطوط انتقال است همانند متصدی حمل‌ونقل عمل و هزینه‌های حمل را دریافت می‌کند.^۳ چنانچه شرکت تولیدکننده مطابق مفاد قرارداد برق تولید نکرده باشد، مکلف به پرداخت جریمه خواهد بود.^۴ بنابراین خریداران برق در ایران، در همه قراردادهای، برق خود را دریافت خواهند کرد و با ریسک نکول فروشنده از تحویل برق مواجه نیستند.^۵ درحقیقت، مدیر شبکه با اعلام اجرا یا عدم‌اجرای قرارداد به اتاق پایاپای بورس، زمینه تسویه قراردادهای منعقدشده در بورس را فراهم خواهد کرد و درخصوص قراردادهای توانیر و خود مدیریت شبکه نیز، فروشنده مکلف به پرداخت خسارت توقف غیرموجه تولید و سایر خسارات خواهد بود.^۶ شایان ذکر است رشد قراردادهای در بورس انرژی مسئله انحصار در بخش خرید برق را نیز تا حد قابل‌قبولی مرتفع می‌کند و شرکت‌های تولیدی به خریداران متعددی دسترسی خواهند داشت و ناچار به پذیرش مفاد قراردادهای الحاقی توانیر و مدیریت شبکه برای عرضه برق تولیدی خود نخواهند بود.^۷

۱. البته لازمه این تأمین انعقاد قرارداد پشتیبان میان مصرف‌کننده شرکت مدیریت شبکه برق ایران است. ماده ۱۲ قرارداد ترانزیت برق.

۲. ماده ۲ و تبصره و بند ۴ ماده ۷ اساسنامه شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۳.

۳. بند ۲ ماده ۲ اساسنامه شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۳.

۴. بند ۵ ماده ۹ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه، مصوب ۱۳۸۸ هیئت تنظیم بازار برق ایران.

۵. بند «ر» ماده ۲ قرارداد خرید تضمینی برق مولد مقیاس کوچک از سوی توانیر، مصوب ۱۳۸۸.

۶. همان.

۷. See: <http://www.tsetmc.com/Loader.aspx?ParTree=15131R>. Accessed on 11 July 2014.

مطابق ماده ۳۸۱ و ۳۸۲ قانون مدنی، هزینه تسلیم مبیع برعهده بایع و تسلیم ثمن برعهده خریدار است، مگر آنکه در این خصوص عرفی غالب باشد یا طرفین خلاف آن شرط کرده باشند. در قراردادهای خرید و فروش برق، اصولاً دو تعهد در این خصوص برعهده بایع است. نخست تأمین هزینه ترانزیت برق در شبکه و دیگری جبران تلفات شبکه. از آنجاکه نگهداری خطوط انتقال برق متضمن هزینه است، هزینه آن از ترانزیت کنندگان اخذ می‌شود. براساس آیین‌نامه ترانزیت برق، هزینه ترانزیت هر کیلووات برق براساس فرمول مشخصی محاسبه و در صورت حساب فروشنده برق لحاظ می‌شود. در واقع چون تسلیم برق خارج از شبکه سراسری برق به خریدار ممکن نیست، بنابراین هزینه‌های تسلیم برق به مشتری تا نقطه تحویل برعهده فروشنده است. جز هزینه ترانزیت، چون انرژی الکتریکی پس از پیمایش مسیر دچار افت ولتاژ و بخشی از آن در مسیر تلف می‌شود. بنابراین چنانچه فرض کنیم خط انتقال منحصراً بین خریدار و فروشنده وجود داشته باشد و وی ۱۰۰ مگاوات وارد مدار انتقال کرده باشد، پس از طی مسیر، انرژی دریافتی خریدار قطعاً کمتر از ۱۰۰ مگاوات خواهد بود. بنابراین اگر فروشنده طبق قرارداد، ۱۰۰ مگاوات برق به خریدار فروخته باشد، باید با احتساب میزان تلفات شبکه توان بیشتری را به شبکه تزریق کند تا انرژی خالص دریافتی خریدار مطابق قرارداد باشد. این میزان مازاد انرژی تزریقی از سوی فروشنده به شبکه جزو هزینه‌های تسلیم مبیع به خریدار تلقی می‌شود. باین حال امکان توافق خلاف این قاعده وجود دارد، اما در صورت سکوت، همه هزینه‌های تسلیم مبیع از جمله اجرت حمل آن به محل تسلیم و تلفات شبکه برعهده فروشنده خواهد بود.

نکته بعد در خصوص عرضه برق هزینه انتقال و تلفات خطوط انتقال است. هزینه ترانزیت برق از نقطه تحویل به انتقال‌دهنده تا نقطه مصرف برعهده فروشنده است و قبل از انعقاد هر قرارداد خرید و فروش، نیروگاه باید مجوز اتصال به شبکه و قرارداد ترانزیت با بهره‌بردار سیستم (شرکت مدیریت شبکه) را منعقد کند.^۱ البته هزینه‌های ترانزیت در بهای برقی که خریدار باید بپردازد لحاظ می‌شود. از آنجاکه براساس قاعده کل مبیع تلف قبل‌القبض و هو من مال بایعه (عربیان و خدابخشی، ۱۳۹۱، ص ۳۱)، تلفات خطوط

۱. بند «ر» ماده ۲ قرارداد خرید تضمینی برق مولد مقیاس کوچک از سوی توانیر، مصوب ۱۳۸۸.

انتقال برعهده فروشنده خواهد بود. بنابراین فروشنده باید مضاف بر میزانی که در قرارداد با مصرف‌کننده متعهد به تأمین آن شده است، به میزانی که انتقال‌دهنده اعلام می‌کند نیز به شبکه تزریق کند. برای نمونه، چنانچه ترانزیت از طریق خط انتقال مستقلی بین خریدار و فروشنده صورت پذیرد و فروشنده در نقطه تحویل در یک بازه زمانی ۱۰۰ مگاوات برق تزریق کند، به سبب تلفات خط انتقال، دستگاه اندازه‌گیری خریدار کمتر از ۱۰۰ مگاوات را نشان خواهد داد. بنابراین فروشنده باید مقدار توان بیشتری را به خط تزریق کند تا خریدار به‌طور خالص ۱۰۰ مگاوات (میزان بار توافق‌شده در قرارداد) از خط برداشت کند.^۱

ب: رعایت استانداردهای فنی و ایمنی

به سبب لزوم اتصال نیروگاه به شبکه برای عرضه برق، بهره‌بردار نیروگاه موظف به رعایت همه ضوابط فنی و ایمنی به منظور حفظ پایایی و امنیت شبکه است. علاوه بر آن، ضوابط فنی مرتبط با بهره‌برداری نیروگاه نیز باید مطابق قرارداد و دستورالعمل‌های فنی مربوط رعایت شود.^۲ رعایت نکردن ضوابط فنی ممکن است، علاوه بر اختلال در شبکه، به وقوع حادثه در نیروگاه منجر شود. این تعهد با رعایت به تحویل برق با مشخصات مندرج در قرارداد نیز اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، رعایت استانداردها هم ناظر بر مشخصات و کیفیت برق تحویلی^۳ و هم ناظر بر رعایت ضوابط اتصال به شبکه و نگهداری و بهره‌برداری از نیروگاه است.^۴ بدیهی است چون برق مانند سایر کالاها قابلیت استرداد و ذخیره ندارد، براساس گزارش دستگاه‌های اندازه‌گیری، اگر برق تحویلی مطابق با قرارداد نباشد، خریدار استحقاق دریافت خسارت را خواهد داشت و فروشنده نیز موظف به تحویل برق مطابق مشخصات توافق‌شده خواهد بود. همچنین فسخ قرارداد در این موارد از سوی خریدار ممکن است و مدیر شبکه، به استناد حفظ پایداری شبکه، به قطع اتصال فروشنده مجاز خواهد بود.^۵ همچنین رعایت دستورات مرکز کنترل شبکه برق نیز از

۱. ماده ۹ قرارداد ترانزیت برق.

۲. بند ۴ ماده ۹ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۳. بند ۵ ماده ۹ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۴. بند ۴ ماده ۹ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۵. ماده ۹ قرارداد ترانزیت برق.

تعهدات اساسی فروشنده به شمار می‌رود که در صورت نقض، باید از عهده خسارات وارد به شبکه بر بیاید.^۱ رعایت دستورات این مرکز گاه ممکن است منجر به توقف موقتی تولید نیروگاه شود. در این شرایط، بایع در ازای سهم برقی که به مدیر شبکه می‌فروشد مستحق دریافت ثمن مشابه زمان تولید نیروگاه خواهد بود.^۲ اما در ازای بقیه ظرفیت تولیدی، مدیر شبکه تعهدی ندارد.^۳ از آنجاکه ممکن است بایع با خریداران دیگری جز توانیر یا مدیر شبکه قرارداد فروش برق منعقد کرده باشد، در چنین مواردی، قادر به تحویل برق به شبکه نخواهد بود. بنابراین ضروری است مدیر شبکه برق خریداران نیروگاه مذکور را از شبکه سراسری تأمین کند^۴ و چون توقف تولید مستند به بهره‌بردار نیروگاه نیست، پرداخت خسارت به مدیر شبکه نیز منتفی است.

ج: ارائه گزارش برق عرضه شده

فروشنده می‌بایست، براساس داده‌های دستگاه‌های اندازه‌گیری، گزارشی از میزان برق تحویلی در فواصل ذکر شده در قرارداد به خریدار ارائه نماید.^۵ همچنین صدور صورت حساب نیز براساس داده‌های وسایل اندازه‌گیری اصلی صورت می‌گیرد.^۶ اینکه وسایل سمت فروشنده یا خریدار وسایل اصلی و مبنای صدور صورت حساب قرار گیرد، بنا بر توافق طرفین خواهد بود. پس اگر وسایل اصلی سمت فروشنده باشد، صدور صورت حساب نیز برعهده فروشنده خواهد بود و برعکس. در صورت نبود توافق درخصوص مفاد صورت حساب، پرداخت براساس صورت حساب صادر شده علی‌الحساب خواهد بود و تسویه نهایی براساس رأی کارشناس یا مقام حل اختلاف انجام خواهد شد.^۷

گفتار سوم: تعهدات خریدار

الف: پرداخت ثمن

۱. همان

۲. تبصره بند ۲ ماده ۶، قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۳. همان.

۴. بند «ث» ماده ۲ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت توانیر، مصوب ۱۳۸۸.

۵. بند ۷ ماده ۹ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۶. ماده ۶ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۷. بند ۳ ماده ۸ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

همان‌طور که گفته شد، چنانچه وسایل اندازه‌گیری سمت خریدار اصلی (مبنای محاسبه) باشد، خریدار براساس داده‌های آن صورت‌حساب برق فروخته‌شده را صادر و پرداخت خواهد کرد.^۱ باین‌حال، چنانچه این وسایل دچار نقص فنی شود یا خطای اندازه‌گیری آن‌ها از میزان توافق‌شده در قرارداد بیشتر باشد، داده‌های وسایل اندازه‌گیری پشتیبان که ممکن است در سمت تأسیسات فروشنده یا خریدار نصب شده باشد، مبنای صدور صورت‌حساب و پرداخت آن خواهد بود.^۲ پس از صدور صورت‌حساب، خریدار موظف به ارسال آن برای فروشنده خواهد بود و چنانچه فروشنده اعتراضی به صورت‌حساب داشته باشد، مبلغ مندرج در صورت‌حساب اولیه را علی‌الحساب دریافت خواهد کرد تا اختلاف مزبور از طریق کارشناس منتخب هیئت تنظیم بازار برق حل‌وفصل شود.^۳ اما در قراردادهای دوجانبه در بازار برق ایران، چالش عمده نه بر سر مفاد صورت‌حساب، که در خصوص پرداخت آن است. توانیر و مدیر شبکه، به سبب کمبود نقدینگی و تکلیفی بودن قیمت فروش نهایی برق به مصرف‌کنندگان، قادر به پرداخت به‌موقع بهای برق فروخته‌شده نیستند.

از سوی دیگر، از آنجاکه برق برخلاف انواع کالاهای ملموس دیگر قابل ذخیره‌سازی و یا استرداد نیست، بنابراین پرداخت‌نکردن یا تأخیر در پرداخت ثمن برق تحویل‌شده به خریدار تعادل اقتصادی قرارداد را برهم خواهد زد. از یک سو، مالک نیروگاه برق تولیدی خود را به شبکه تحویل کرده است و امکان استرداد مبیع ممکن نیست. از سوی دیگر، مالک نیروگاه نمی‌تواند به استناد حق حبس از تحویل برق در طول دوره قرارداد بهره‌جوید به این سبب که خریدار صورت‌حساب‌های دوره‌ای خود پرداخته است. زیرا لازمه فعالیت نیروگاه‌های برق تبعیت از دستورات مرکز کنترل شبکه برق کشور است.^۴ مجموع

۱. ماده ۶ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۲. البته اصولاً صدور صورت‌حساب برعهده فروشنده و بر مبنای وسایل اندازه‌گیری وی است، مگر آنکه خلاف آن در قرارداد توافق شده باشد.

۳. بند ۳ ماده ۸ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۸.

۴. تبصره ۱ ماده ۷ اساسنامه شرکت مدیریت شبکه برق ایران:

تبصره: برای حفظ پایداری و امنیت شبکه برق، همه مالکان و بهره‌برداران تأسیسات تولید و انتقال نیروی برق متصل به شبکه برق کشور موظف‌اند از روش و تصمیمات مصوب مرکز ملی راهبری و پایش شبکه برق کشور پیروی کنند و آن‌ها را به‌موقع به اجرا بگذارند و آمار و اطلاعاتی لازم را در اختیار قرار دهند.

واحدهای تولید برق باید خروج از مدار و ورود به آن را با هماهنگی و مجوز قبلی این مرکز انجام دهند، در غیر این صورت باید متحمل خسارات وارد شده به شبکه باشند. از آنجاکه تأمین برق به منزله کالایی راهبردی ابعاد سیاسی و امنیتی نیز دارد، مالک نیروگاه چنانچه بدون مجوز مرکز تولید را متوقف کند باید از عهده خسارات احتمالی به شبکه برآید؛ حتی ممکن است در تفسیری موسع، متهم به اخلاف در امنیت ملی و نظام اقتصادی کشور شود.^۱ در نمونه جدید قراردادی خرید برق از سوی شرکت مدیریت شبکه، مصوب ۱۳۹۱، در صورت تأخیر پرداخت ثمن از سوی خریدار، خسارتی تأخیر در پرداخت هم در نظر گرفته شده است. هرچند احتمال پرداخت نشدن کل یا بخشی از ثمن در همه معاملات و قراردادها متصور است، اما در بیشتر قراردادها فروشنده امکان توسل به حق حبس را خواهد داشت؛ درحالی که در قراردادهای خرید توان، این امکان به دلایل ذکر شده وجود ندارد. گفتنی است خرید و فروش برق در بورس انرژی، برخلاف قراردادهای دوجانبه، ریسک نکول احد طرفین از تعهدات قراردادی خود را به میزان چشمگیری کاهش می دهد. وجود سازوکار اتاق پایاپای در معاملات بورسی، همچون ابزاری برای تضمین اجرای تعهدات طرفین قرارداد عمل می کند و چنانچه یکی از طرفین قرارداد از اجرای تعهدات خود سر باز زند، خسارت طرف مقابل از محل تضمینات و وثایق سپرده شده نزد اتاق پایاپای پرداخت و تسویه می شود (اسفندیاری فر، ۱۳۹۲، ص ۸۲). بنابراین به نظر می رسد که ارتقای زمینه های رشد معاملات بورس انرژی سطح اطمینان اجرای تعهدات را به میزان چشمگیری افزایش داده است و به طبع، به افزایش تولید برق و در نتیجه امنیت عرضه برق می انجامد. البته افتتاح اعتبار اسنادی خریدار به نفع فروشنده نیز از راهکارهای حذف ریسک عدم پرداخت ثمن از سوی خریدار است.^۲

ب: دریافت برق

۱. بند «ب» ماده ۱ قانون مجازات اخلاف گران در نظام اقتصادی کشور:

«اخالل در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی های مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات لازم برای عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.»

۲. برای مثال نک: ماده ۸ قرارداد ترانزیت برق.

دریافت مبیع از تعهدات مشتری است (علوم یزدی، ۱۳۹۰، ص ۷۲)، بنابراین مشتری باید لوازم مربوط به آن را فراهم کند و در تاریخ تعیین شده اقدام به دریافت مبیع نماید (بیات و بیات، ۱۳۹۳، ص ۲۹۹-۳۰۰)

بنابراین، در صورتی که بائع مبیع را تسلیم کرده باشد اما خریدار از دریافت آن استنکاف ورزد، موظف به پرداخت ثمن خواهد بود.^۱ اما از آنجاکه دریافت برق از طریق شبکه صورت می‌گیرد، ممکن است خریدار به دلایلی که مستند به خود وی نیست موقتاً از دریافت برق ناتوان شود. اما در مواردی که امکان نداشتن دریافت برق مستند به خریدار از جمله ناشی از نقص فنی در تأسیسات خریدار باشد، خریدار موظف به پرداخت ثمن و خسارات است.^۲ در واقع مصرف‌کننده موظف است به پرداخت میزان برق توافق شده در قرارداد یا مصرف واقعی خود، هر کدام که بیشتر باشد.^۳ در غیر این صورت و در مواردی که دریافت نکردن مبیع به سبب اعمال خاموشی از سوی مدیر شبکه باشد، مدیر شبکه بهای آن بخش از توان تحویل نشده و خسارات مربوط به آن را به فروشنده خواهد پرداخت.^۴ بدیهی است، در این موارد، خریدار از باب مسئولیت قراردادی می‌تواند برای دریافت خسارات به عرضه‌کننده مراجعه کند.^۵ بنابراین در این موارد مالک نیروگاه فقط مالک ثمن میزان برقی است که در نقطه تحویل مورد نظر خریدار به وی تحویل داده است یا می‌باید تحویل شود و ترانزیت‌کننده تحویل نداده است.^۶ در واقع عبور جریان الکتریکی از نقاط تحویل و دستگاه‌های اندازه‌گیری جریان برق به مثابه قبض مبیع از سوی خریدار است.^۷ بنابراین ریسک‌های توقف تولید و عدم امکان تحویل برق به خریداران برعهده مالک نیروگاه است، مگر آنکه خلاف آن شرط شده باشد.^۸ در نمونه‌های قراردادی خرید برق، به منظور پوشش برخی از ریسک‌ها، از جمله ریسک‌هایی که مستند به عمل مالک

۱. همان.

۲. بند ۶ ماده ۳ شرایط خصوصی قرارداد تأمین برق مصرف‌کننده.

۳. همان.

۴. بند دو ماده ۱۱ قرارداد ترانزیت برق.

۵. ماده قرارداد ترانزیت برق.

۶. همان.

۷. ماده ۷ قرارداد خرید تضمینی برق از سوی مدیر شبکه، مصوب ۱۳۸۸.

۸. ماده ۱۲ قرارداد ترانزیت برق.

نیروگاه نیست، سعی بر آن شده است تا مالک نیروگاه در وضعیتی قرار گیرد که گویا تولید و عرضه برق به شبکه متوقف نشده است.

نکته پایانی اینکه به نظر نمی‌رسد وزارت نیرو و مرکز کنترل شبکه، جز در موارد حادثه قهریه، فقط به سبب صدور دستورات مبنی بر خروج و ورود از شبکه، اعمال خاموشی بر مصرف‌کننده، یا تنظیم ظرفیت خطوط انتقال در قبال شرکت‌های فعال در بازارهای برق در بخش‌های تولید، انتقال و توزیع و همچنین مصرف‌کنندگان مکلف به پرداخت خسارات ناشی از این موارد باشند. زیرا این مرکز وظیفه حفظ پایداری و استمرار شبکه را برعهده دارد و همه مشتریان و شرکت‌های فعال در بازار از تداوم عرضه و پایداری شبکه بهره می‌برند و ناگزیر عوارض ناشی از آن را نیز باید به نحو منطقی بین همه بهره‌مندان توزیع کند. البته وجود سازوکار بیمه هم راهکاری برای پوشش ریسک‌ها و پرداخت خسارات در این موارد است (پیکارجو، ۱۳۸۲، ص ۵۵۹).

ج: تأمین سوخت

در بیشتر کشورهایی که تجدید ساختار صنعت برق در آن‌ها تکامل یافته، بخش تولید برق سوخت لازم برای نیروگاه‌های حرارتی را با انعقاد قرارداد تأمین سوخت با شرکت‌های دولتی یا خصوصی تأمین می‌کند. در ایران، تأمین سوخت لازم برای نیروگاه‌ها فقط در وزارت نفت و شرکت‌های تابعه از جمله شرکت ملی گاز ایران تأمین می‌شود. اصولاً خریدار متعهد به جبران سوخت موردنیاز فروشنده (نیروگاه) نیست، اما در قراردادهای خرید تضمینی برق، گاه مدیر شبکه یا توانیر متعهد به تأمین سوخت نیروگاه می‌شوند.^۱ بر این اساس، چنانچه توقف تولید مستند به تأمین‌نشدن سوخت باشد، مدیر شبکه یا توانیر موظف به تأمین برق مصرف‌کنندگان طرف قرارداد تولیدکننده از شبکه سراسری است و بهای آن یا خسارت فرصت ازدست‌رفته را به تولیدکننده پرداخت خواهد کرد.^۲

تعهدات بیان‌شده در دو گفتار پیشین مهم‌ترین و اساسی‌ترین (و نه همه) تعهدات خریدار و فروشنده در نظام حقوقی ایران تلقی می‌شوند، اما تعهدات آن‌ها محدود به

۱. بند ۲ ماده ۴ قرار خرید تضمینی برق از سوی توانیر، مصوب ۱۳۸۸.

۲. بنده ۳ ماده ۴ قرار خرید تضمینی برق از سوی توانیر، مصوب ۱۳۸۸.

موارد فوق نیست و بسته به طرفین و تضمینی بودن یا نبودن قرارداد و تیپ قرارداد، تعهدات متفاوت خواهد بود. هرچند بخشی از این تفاوت‌ها به شرایط قراردادهای بستگی دارد، به نظر می‌رسد به منظور شفافیت بیشتر و برخورداری همه فعالان از شرایط مساوی و عدم تبعیض تا جای ممکن باید قراردادهای یکسان‌سازی شوند.

۴. ضمان معاوضی

در قراردادهای بیع کالاهای رایج، از لحظه انعقاد عقد تا تسلیم مبیع به خریدار، چنانچه تسلیم هم‌زمان با انعقاد قرارداد یا به‌طور عرفی بلافاصله بعد از آن صورت نگیرد، مبیع در معرض نقص یا تلف (اعم از جزئی و کلی) قرار می‌گیرد. براساس زمان انتقال ضمان معاوضی، مشخص می‌شود کدام یک از طرفین قرارداد متحمل خسارت مبیع در این فاصله هستند. به‌طورکلی، ضمان معاوضی ممکن است در زمان وقوع عقد، انتقال مالکیت یا تسلیم مبیع به خریدار منتقل شود. در فرض نخست، مشتری خود عهده‌دار کل خساراتی خواهد بود که از آن لحظه بر مبیع وارد می‌آید. در صورتی که ضمان معاوضی با انتقال مالکیت به خریدار منتقل شود، خسارات وارد شده قبل از آن برعهده بایع و پس از آن برعهده مشتری خواهد بود. در فرض آخر نیز، مشتری تا هنگامی که مبیع به وی تسلیم نشده باشد عهده‌دار هیچ‌گونه خسارتی نیست و تلف از مال بایع خواهد بود. نظام‌های حقوقی بر سر زمان انتقال ضمان معاوضی متفق نیستند و در این خصوص اختلافاتی هست. این اختلافات در زمان تدوین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز محل بحث و مناقشه بوده است. هرچند بیع برق به‌صراحت از شمول کنوانسیون خارج شده است، از آن جهت که انتقال ضمان در قراردادهای متضمن حمل یا بدون نیاز به حمل مورد اشاره قرار گرفته است، برای یافتن راه‌حلی مناسب خالی از فایده نیست. بیع برق در سرتاسر جهان از راه شبکه‌های انتقال و توزیع اجرا می‌شود. بنابراین تولیدکننده برق جز تحویل مبیع از راه شبکه‌های موجود انتقال و توزیع راه دیگری ندارد. بهره‌بردار یا مدیر شبکه در همه کشورهای متصدی اصلی و در اصل مالک شبکه‌های انتقال نیز هست. از این رو مجموعه خطوط انتقال، اعم از سیم‌ها، برج‌های انتقال، تجهیزات قرائت و دیسپاچینگ، وسیله‌ای برای حمل برق تا مقصد و تحویل به خریدارند (استافت، ۱۳۸۹، ص ۳۴۵). از آنجاکه معمولاً بین نیروگاه‌های تولید برق تا محل‌های مصرف فواصل زیادی وجود دارد، بنابراین

یک متصدی حمل (بهره‌بردار یا مدیر شبکه) برق را به مشتری تحویل می‌دهد و هزینه‌های آن را نیز دریافت می‌کند. این فرایند در قراردادهای خریدوفروش برق ترانزیت اطلاق می‌شود. در واقع، قرارداد ترانزیت فروشنده برق با مدیر شبکه همان قرارداد حمل در بیع بین‌المللی یا داخلی کالا است و در قراردادهای خریدوفروش برق نقاط تحویل و دریافت مشخص می‌شود. شایان ذکر است که چون جریان برق مداوم در سیم‌ها جریان دارد، بنابراین تلف به معنای عرفی آن، اعم از جزئی یا کلی در خصوص سایر کالاها، در قیاس با برق مصداق ندارد. در واقع منظور از تلفات در قراردادهای خریدوفروش برق مقدار معینی از هر کیلووات برق است که با توجه به فاصله انتقال تا مقصد، ولتاژ و فرکانس جریان برق در نظر گرفته می‌شود.^۱ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، عددی که وسایل اندازه‌گیری سمت فروشنده در نقطه تحویل برای میزان برق وارد شده به شبکه نشان می‌دهد باید بیشتر از مقدار بار تعهد شده در قرارداد باشد. بنابراین تلفات برق تا زمانی که به نقطه مصرف برسد برعهده فروشنده است.^۲

بنابراین برخلاف قاعده اصلی انتقال ضمان معاوضی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا که از لحظه تحویل مبیع به متصدی حمل ضمان به مشتری منتقل می‌شود، به سبب ویژگی‌های خاص برق، این تلفات برعهده مدیر شبکه که وظیفه انتقال برق را برعهده دارد نیست. فروشنده هم باید از آنچه در قرارداد به خریدار تعهد کرده است میزان بیشتری (که مدیر شبکه اعلام می‌کند) را وارد مدار کند تا، پس از کسر تلفات، خریدار همان میزان را از شبکه برداشت کند.

ماده ۳۸۷ قانون مدنی که ناظر بر انتقال زمان معاوضی است، در صورتی که قبل از تسلیم مبیع تلف شود، بیع را منفسخ و فروشنده را عهده‌دار ضمان دانسته است. حکم این ماده ناظر بر تلف کلی مبیع و نه جزئی آن است. بنابراین در موارد تلف جزئی از مبیع عقد منفسخ نمی‌شود. همچنین حکم این ماده را در بیع کالاهایی نظیر برق و آب و گاز که جریان مستمر دارند و ابعاد و تمامیت آن‌ها قابل اشاره نیست تسری ندارد، چون تلف جزئی از برق در حین انتقال و قبل از دریافت مشتری همانند تلف اتومبیلی در حال

۱. بند ۱۷ ماده ۱ قرارداد ترانزیت برق، مصوب وزارت نیرو.

۲. همان.

حمل موضوع عقد نیست. زیرا در فرض اخیر، آنچه اراده طرفین بر آن تعلق گرفته است از بین می‌رود، درحالی‌که در بیع برق اراده طرفین بر میزان مشخصی از نیروی برق تعلق گرفته است. ولی چون مشتری در ساختار کنونی شبکه برق ایران در هر حال میزان برق مطابق قرارداد را از محل شبکه دریافت خواهد کرد، تلفات شبکه به وی تحمیل نمی‌شود. اگر در مواردی مشتری کمتر از آنچه در قرارداد شرط شده است، دریافت کند، ماده ۳۸۴ قانون مدنی، در صورت عدم توافق خلاف آن، حاکم خواهد بود.

قاعده منطقی در تحمیل خطر و ریسک آن است که خطر برعهده کسی باشد که در موقعیت بهتری برای پیشگیری از آن قرار دارد (شاول، ۱۳۸۸، ص ۴۷۶). هرچند فروشنده باید تلفات شبکه برق را به‌عنوان جزئی از هزینه‌های ناگزیر تسلیم میباید به مشتری تقبل کند، اما کیفیت خطوط انتقال و تجهیزات مرتبط با آن نیز در این مسئله مؤثر است (شکوهی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۷۸). به عبارت دیگر، فروشنده باید مکلف به تحمل میزانی از تلفات شبکه مطابق با استانداردهای متداول باشد. در غیر این صورت، فروشندگان هزینه ناکارایی شبکه انتقال و مدیریت نادرست مدیر شبکه را عهده‌دار می‌شوند.

در حمل کالاهای رایج دیگر، فروشنده توانایی انتخاب متصدیان حمل متعدد و با قیمت‌های گوناگون را دارد، اما در قراردادهای خریدوفروش برق فقط مدیر و بهره‌بردار شبکه متصدی انتقال است و فروشنده ناگزیر از قبول شرایط وی است. بنابراین عادلانه نیست که تلفات شبکه ناشی از فرسودگی تجهیزات یا بی‌کفایتی بهره‌بردار شبکه برعهده فروشنده برق باشد.

نکته پایانی اینکه در نبود امکان اعمال تمامی احکام قانون مدنی در خصوص بیع بر قراردادهای خریدوفروش برق، می‌توان به عدم امکان استرداد مبیع (برق) مندرج در مواد ۳۷۸ و ۳۸۰ قانون مدنی اشاره کرد. علاوه بر آن، چون تفلیس در قانون مدنی در قانون تجارت در احکام راجع به ورشکستگی بیان شده است، در صورت ورشکسته شدن خریدار برق امکان استرداد مبیع فروخته شده مطابق مواد ۵۲۸ تا ۵۳۵ قانون تجارت ممکن نیست و این نه مستند به عمل خریدار که ناشی از ذات برق است. در این موارد، فقط حق امتناع از تسلیم ممکن است که به نظر می‌رسد در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی نیز قابل شرط فیما بین طرفین باشد.

نتیجه‌گیری

قراردادهای خرید و فروش برق، با وجود برخی تفاوت‌ها، مفاد و اهدافی یکسان دارند. بنابر طرفین قرارداد و همچنین نوع برق تولیدی، ممکن است برخی تغییرات در تعهدات طرفین در نظر گرفته یا بعضی از مشوق‌ها اعطا شود. هرچند در همه این قراردادها نتیجه‌ای همانند عقد بیع دارد که انتقال مالکیت ثمن به بایع و مبیع (برق) به خریدار است، اما برخی ویژگی‌های منحصر به فرد برق مانع از اطلاق و تسری مجموع قواعد عقد بیع مندرج در قانون مدنی بر قراردادهای خرید و فروش برق است. از طرف دیگر، عقد بیع متضمن برخی حمایت‌ها از بایع و مشتری است که در سایر عقود (نسبت به طرفین) جاری نیست. همچنین در سایر کشورها، بسته به کالا یا خدمت تلقی کردن برق، احکام متفاوتی بر قراردادهای بار می‌شود. در قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت نیز معافیت‌ها در گات و گتس نیز یکسان نیست. باین حال به نظر می‌رسد دلایل کالا محسوب کردن برق به مراتب قوی‌تر از خدمت تلقی کردن آن است و بیشتر مفسرین عدم شمول برق در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را ناشی از مشکلات آن در بیع بین‌المللی و اهمیت راهبردی آن دانسته‌اند نه در کالا بودن برق. استدلال آن‌هایی که به خدمت بودن برق معتقدند، نظیر اینکه از سوی ارائه‌کننده‌ای به جز تولیدکننده عرضه شود، ناظر به شیوه فروش آن است نه خود برق. کالا تلقی کردن برق، با توجه به ویژگی‌های خود برق، قواعد نظام کدگذاری هماهنگ کالا و خدمات، جرم‌انگاری سرقت برق (سرقت در خصوص خدمات متصور نیست) و احکام قضایی صادره که بیشتر غلبه بر کالا بودن برق دارند، موجه‌تر است. باین حال، در قیاس با قواعد ناظر بر بیع، ماده ۱۰ قانون مدنی نیز ظرفیت آن را دارد که این دست از قراردادها را عقدی نامعین و لازم تلقی کند که شرایطی مختص به خود دارد. از آنجاکه جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در تولید برق، به‌ویژه انواع تجدیدپذیر آن، مورد نظر و نیاز کشورهای در حال توسعه است و افزایش تولید یکی از مقوله‌های مؤثر بر امنیت عرضه برق تلقی می‌شود، به نظر می‌رسد ماده ۱۰ قانون مدنی ظرفیت‌های بیشتری را به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی فراهم خواهد آورد. علاوه بر آن و با توجه به وابستگی عمیق ماهیت عقد بیع با مبانی و منابع فقهی، تحت شمول دانستن این قراردادها ذیل عقد بیع ممکن است موجب آثار غیرقابل پیش‌بینی برای

طرفین قرارداد باشد. این درحالی است که قابلیت پیش‌بینی یکی از عوامل مؤثر در امنیت حقوق سرمایه‌گذاری کشورها به شمار می‌رود. بنابراین قراردادهای خرید و فروش برق را با وجود عنوان و برخی مفاد آن‌ها که نزدیک به عقد بیع در قانون مدنی است، باید قراردادهایی با ویژگی خاص و در قالب عقود نامعین دانست تا هم انعطاف لازم برای درج شروط خاص را داشته باشد و هم ویژگی‌های منحصر به فرد برق و تجارت آن را نیز در بر بگیرد و با تحولات روز تجارت داخلی و بین‌المللی برق همگام شود.

منابع

- استافت، استیون (۱۳۸۹). *اقتصاد سیستم قدرت: طراحی بازارهای برق*. ترجمه رحیم میلانی و امیرمسعود جهان‌بین. تهران: همزبانان.
- اسفندیاری‌فر، خشایار (۱۳۹۲). *بورس انرژی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی. امامی، سیدحسن (۱۳۶۸). *حقوق مدنی*. چاپ پنجم. تهران: کتابفروشی اسلامی.
- امینی، سعید (۱۳۸۸). *درسنامه اصول تولید، انتقال و توزیع انرژی الکتریکی*. تهران: مؤسسه آموزش علمی - کاربردی صنعت آب و برق.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۸). *مکاسب. تحقیق لجنه التحقیق*. قم: مؤسسه هادی.
- باقری، محمود و میرلواسانی، سمیه سادات (۱۳۹۱). «جایگاه بین‌المللی کالای عمومی در رویکرد عدالت توزیعی». *پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱-۲۸.
- بنیاد دایره المعارف اسلامی (۱۳۷۵)، *دانشنامه جهان اسلام*، مجلد ۱.
- بحرانی، یوسف‌بن احمد (۱۴۱۰ ق.). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، تحقیق محمدتقی الایروانی. قم: جامعه مدرسین.
- بیات، فرهاد و شیرین بیات (۱۳۹۷)، *شرح جامع قانون مدنی*، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات ارشد.
- پیکارجو، کامبیز (۱۳۸۲). «بررسی نقش بیمه در صنعت برق». *تازه‌های جهان بیمه*، شماره ۶۵، ص ۵۵۹-۵۷۰.
- پیرهادی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *انتقال مالکیت در عقد بیع*، چاپ اول، تهران: انتشارات شالیزه.
- تفرشی، محمدعیسی و سکوتی نسیمی، رضا (۱۳۸۳). «بیع سهام شرکت‌های سهامی». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۴۱، ص ۳۵-۵۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.

- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۸ ق.). *مصباح الفقهاه فی المعاملات*. جلد دوم، چاپ سی و پنجم، قم: سیدالشهدا.
- شاوول، استیون (۱۳۸۸). *تحلیل اقتصادی حقوق*. ترجمه محسن اسماعیلی. تهران: مرکز پژوهش‌های حقوقی مجلس.
- شرکت مهندسی مشاور موندکو ایران (۱۳۹۲). *تجدید ساختار در صنعت برق با مروری بر ساختار صنعت برق ایران*. تهران: شیوه.
- شکوهی‌نیا، داوود (۱۳۹۲). *فرهنگ لغات و اصطلاحات تخصصی برق*. تهران: نشر اشراق.
- صفایی، سید حسین، کاظمی، محمود، عادل، مرتضی و میرزائزاد، اکبر (۱۳۹۲). *حقوق بیع بین‌المللی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۷۸). *حاشیه‌المکاسب*. قم: اسماعیلیان.
- عربیان، اصغر و خدابخشی، حسن (۱۳۹۱). «ضمان معاوضی و آثار آن در قاعده ی تلف مبیع قبل از قبض». *مبانی فقهی حقوق اسلامی*. شماره ۱۰: صص ۲۷-۵۲.
- علمی یزدی، حمیدرضا (۱۳۹۰). «مفهوم تسلیم و ارتباط آن با انتقال مالکیت و ریسک (ضمان معاوضی) در عقد بیع». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۵، صص ۶۶-۹۶.
- قرباغی، علیرضا (۱۳۸۲). «جایگاه کالای برق در سازمان جهانی (WTO)». *پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۱۶۹-۱۹۱.
- قناد، هادی و مسگری، علی (۱۳۸۴). *مبانی برق: آشنایی با اصول کلی و اولیه برق*. تهران: صفار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). *دوره عقود معین*. جلد اول: معاملات معوض، عقود تملیکی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: نشر میزان.
- کرشن، دنیل سادی و استربرگ، گوران (۱۳۸۶). *مبانی اقتصاد سیستم قدرت*. ترجمه مسعود براتی و همکاران. تهران: وزارت نیرو.
- کریمی، عباس و معین‌الاسلام، محمد (۱۳۸۷). «رهن اموال فکری». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۳۱۵-۳۲۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ق.). *انوار الفقاهه*. جلد اول: کتاب البیع. تهران: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰). *کتاب البیع*. قم: اسماعیلیان.

- ناظمی، علی و دیگران (۱۳۹۰) قدرت بازار برق عمده فروشی ایران، تحقیقات مدلسازی اقتصادی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۳۱-۵۵.
- Horlick, G., Schuchardt, C., & Mann, H. (2004). NAFTA Provisions and the Electricity Sector. *Transnational Dispute Management (TDM)*, 1(2)
- Ehring, L., & Selivanova, Y. (2011). Energy transit. *Regulation of Energy in International Trade Law, WTO, NAFTA and Energy Charter*, 49-104.
- Mäntysaari, P. (2015). *EU Electricity Trade Law: The Legal Tools of Electricity Producers in the Internal Electricity Market*. New York: Springer.
- Marceau, G. (2010). WTO in the Emerging Energy Governance Debate, *The Global Trade & Cust. J.*, 5, 83.

Power Purchasing Agreement in the Framework of Civil Law

Kiomars Heidari¹, Mehdi Haftani², Behrad Saghiri³

Abstract

Power purchasing agreements (PPA) seek to protect and develop electricity production specifically some kinds like renewable and green electricity. They have been common after restructuring electricity industrial. They now broadly are used as a mean to conservation of environment, electricity security of supply and foreign investment protection around the world. In Iran after restructuring of electricity industrial according to article 25(b) of "fourth development program act," ministry of power and its company (Tavanir) designed and concluded some type of power purchasing agreements (PPA). These contracts comprise some terms and conditions, which refer to general rules of contract and either technical restrictions. This article seeks to study these contracts terms and conditions in the framework of sale contract and general rules of contract under Iranian civil law. We will answer to this question that these contracts shall be assumed as a sale contract or a specific contract under article 10? It seems to there are not exactly sale contract that has been mentioned in the article 338 and deem to be an especially contract.

Keywords: contract, electricity, sale, civil law, security of supply.

-
1. Department of Economics, Niroo Research Institute, Tehran, Iran; kheydari@nri.ac.ir
 2. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding author); haftani2012@gmail.com
 3. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; behradsaghiri@yahoo.com